چه زیبا بود فریاد من و تو میان کوچه ها در زیر رگبار
صدای خشم بی اندازمان بود تمام حرف های روی دیوار
{چه زیبا بود بند وحدت ما که با آن دست شب را بسته بودیم}(2)
{به فکر پر زدن بودیم و رفتن اگر چه مثل مرغی خسته بودیم}(2)
{چه زیبا بود شب هایی که لب ها پر از بوی گلِ تکبیر بودند}(2)
{شبی که مشت های بسته ی ما به تنهایی حریف تیر بودند}(2)
چه زیبا بود شب را خواب کردن تمام برف ها را آب کردن
چه زیبا بود در تاریکی شب نگاهی بر گل مهتاب کردن
چه زیبا بود و زیباتر از آن ها که یک امروز زیبا را بسازیم
{همه با یاد آن هایی که رفتند بهار سبز فردا را بسازیم}(2)

چه زیبا بود فریاد من و تو میان کوچه ها در زیر رگبار
صدای خشم بی اندازمان بود تمام حرف های روی دیوار
{چه زیبا بود بند وحدت ما که با آن دست شب را بسته بودیم}(2)
{به فکر پر زدن بودیم و رفتن اگر چه مثل مرغی خسته بودیم}(2)
{چه زیبا بود شب هایی که لب ها پر از بوی گلِ تکبیر بودند}(2)
{شبی که مشت های بسته ی ما به تنهایی حریف تیر بودند}(2)
چه زیبا بود شب را خواب کردن تمام برف ها را آب کردن
چه زیبا بود در تاریکی شب نگاهی بر گل مهتاب کردن
چه زیبا بود و زیباتر از آن ها که یک امروز زیبا را بسازیم
{همه با یاد آن هایی که رفتند بهار سبز فردا را بسازیم}(2)

چه زیبا بود فریاد من و تو میان کوچه ها در زیر رگبار
صدای خشم بی اندازمان بود تمام حرف های روی دیوار
{چه زیبا بود بند وحدت ما که با آن دست شب را بسته بودیم}(2)
{به فکر پر زدن بودیم و رفتن اگر چه مثل مرغی خسته بودیم}(2)
{چه زیبا بود شب هایی که لب ها پر از بوی گلِ تکبیر بودند}(2)
{شبی که مشت های بسته ی ما به تنهایی حریف تیر بودند}(2)
چه زیبا بود شب را خواب کردن تمام برف ها را آب کردن
چه زیبا بود در تاریکی شب نگاهی بر گل مهتاب کردن
چه زیبا بود و زیباتر از آن ها که یک امروز زیبا را بسازیم
{همه با یاد آن هایی که رفتند بهار سبز فردا را بسازیم}(2)

چه زیبا بود فریاد من و تو میان کوچه ها در زیر رگبار
صدای خشم بی اندازمان بود تمام حرف های روی دیوار
{چه زیبا بود بند وحدت ما که با آن دست شب را بسته بودیم}(2)
{به فکر پر زدن بودیم و رفتن اگر چه مثل مرغی خسته بودیم}(2)
{چه زیبا بود شب هایی که لب ها پر از بوی گلِ تکبیر بودند}(2)
{شبی که مشت های بسته ی ما به تنهایی حریف تیر بودند}(2)
چه زیبا بود شب را خواب کردن تمام برف ها را آب کردن
چه زیبا بود در تاریکی شب نگاهی بر گل مهتاب کردن
چه زیبا بود و زیباتر از آن ها که یک امروز زیبا را بسازیم
{همه با یاد آن هایی که رفتند بهار سبز فردا را بسازیم}(2)

چه زیبا بود فریاد من و تو میان کوچه ها در زیر رگبار
صدای خشم بی اندازمان بود تمام حرف های روی دیوار
{چه زیبا بود بند وحدت ما که با آن دست شب را بسته بودیم}(2)
{به فکر پر زدن بودیم و رفتن اگر چه مثل مرغی خسته بودیم}(2)
{چه زیبا بود شب هایی که لب ها پر از بوی گلِ تکبیر بودند}(2)
{شبی که مشت های بسته ی ما به تنهایی حریف تیر بودند}(2)
چه زیبا بود شب را خواب کردن تمام برف ها را آب کردن
چه زیبا بود در تاریکی شب نگاهی بر گل مهتاب کردن
چه زیبا بود و زیباتر از آن ها که یک امروز زیبا را بسازیم
{همه با یاد آن هایی که رفتند بهار سبز فردا را بسازیم}(2)